

رفیقانه

Rafiqaneh
حال خوش رفاقت

Rafiqaneh
Rafiqaneh_n

Rafiqaneh

Rafiqaneh

دوشنبه ۱۰ آبان ماه ۱۴۰۰ - ۰۱ نوامبر | ۲۰۲۱ | شماره ۰۱

گاهنامه اداره کل امور بانوان سازمان تبلیغات اسلامی
به مناسبت هفته ملی نوجوان

جلسه هم‌اندیشی با دکتر سعید حسن زاده، مدیر پروژه دانوین

رفاقت را به رسمیت بشناسید

گفتگو با عصمت پناهیان، مبلغ و فعال فرهنگی

دوست! جلوه پنهان هر فرد و اولین انتخاب یک نوجوان



قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَلَيْكَ بِالْأَحْدَاثِ، فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ
إِلَى كُلِّ خَيْرٍ ... [وافی، ج ۱، جزء ۲، ص ۲۱۰.]

امام صادق علیه السلام فرمود: نوجوانان را دریاب،
نوجوانان زودتر به کارهای خیر روی می آورند.



صاحب امتیاز:

اداره کل امور بانوان سازمان تبلیغات اسلامی

شورای سیاست گذاری:

عاطفه سعیدی نژاد، فاطمه مرسلی، رضا عظیمی

مدیر مسئول:

فاطمه مرسلی

سر دبیر:

زهره زمانی فر

هیئت تحریریه:

طهورا میرزایی زاده، زهره زمانی فر، معصومه ندری،
مرضیه شیرین، فاطمه زهره صرامی

صفحه آرا:

فاطمه حسنی

ویراستار:

طهورا میرزایی زاده

با تشکر از:

دکتر منصوره طالبیان، زهره رضائی، فاطمه معصومی نژاد

گاهنامه رفیقانه

رفیقانه طرحی است که به دنبال کشف گروه‌های دوستی دختران نوجوان و توانمندسازی آن‌ها در قالب گروه‌های دوستانه، در جهت اثرگذار شدن این ظرفیت بالقوه برای الگوسازی فرهنگ مطلوب رفاقت، مشارکت در کنش اجتماعی به واسطه گروه‌های دوستی و ایجاد بستری مناسب برای تخلیه هیجانات دختران نوجوان است.



Rafiqaneh



Rafiqaneh
Rafiqaneh_n



Rafiqaneh

از مدارس و مجموعه‌های فرهنگی و تربیتی سراسر کشور دعوت می‌شود که اگر مسئله و دغدغه پدیده رفاقت را دارند مشخصات خود را برای مجموعه رفیقانه به آدرس‌های قید شده ارسال کنند.
تا با همکاری و دیدگاه‌های مهم شما بتوانیم با یکدیگر گامی در جهت حل مسئله رفاقت برداریم.

۵ — سخن سردبیر —

یادداشت زهرا زمانی فر
پیرامون دختران دهه
هشتادی و عرصه نوجوانی

۶-۷ — گفت و گو —

گفت و گو با عصمت پناهیان:
پیرامون دوست؛ جلوه پنهان هر
فرد و اولین انتخاب یک نوجوان

۸ — مصاحبه —

مصاحبه با عاطفه سعیدی نژاد،
پیرامون ظرفیت عظیم نشاط، باید
برای نوجوان امروزی فراهم شود

۹ — یادداشت —

یادداشت مرضیه شیرین،
پیرامون نوجوان دهه
هشتادی، عمیقاً تنه‌است!

۱۰-۱۱ — دورهمی رفیقانه ۱ —

راه تعامل
با دنیای نوجوان
عصر نوین

۱۲-۱۳-۱۴ — دورهمی رفیقانه ۲ —

قدم زدن با کفش دهه
هشتادی‌ها، در دنیای
رفاقت و نوجوانی

۱۵ — یادداشت —

یادداشت فاطمه زهرا صرامی،
پیرامون ما و رفیق‌امون!
شما همه!

۱۶-۱۷ — هم‌اندیشی —

جلسه با دکتر سعید حسن‌زاده،
پیرامون رفاقت را به رسمیت
بشناسید

۱۸-۱۹-۲۰ — مصاحبه —

صحبت‌های آسیه حسینی‌نیکو، پیرامون
گروه‌های دوستی، فضایی برای تجربه
استقلال و بازیابی هویت نوجوان

۲۱-۲۲ — معرفی —

گفت و گو با آقای خوئینی،
مسئول گروه تبلیغی جهادی
رشد در استان قم



زهرا زمانی فر - سردبیر

پای صحبت دختران نوجوان دهه هشتادی نشسته‌اید؟!

همان نسل عصر نوین، عاشق فضای مجازی، گاهی بی‌تاب در جمع‌های شلوغ، دلبسته اکیپ‌های دوستی، استاد تحلیل‌های کارشناسانه، و آنان که در ظاهر بی‌دغدغه‌اند و نیازشان را آرام می‌گویند اما درواقع؛ فریاد می‌زنند!

سوال که می‌پرسید صریح، از عقایدشان می‌گویند. گاهی چنان از موسیقی و فیلم روز دنیا تا فلسفه و عمق یک مسئله را برایتان واکاوی می‌کنند که حیران می‌مانی از همان دختر بچه دیروز، که حالا قد کشیده و از پس مسئله دوران شما بر می‌آید.

به زمان حال می‌رسیم، اکنون که دختران از دوره کودکی عبور کرده و پای به عرصه نوجوانی می‌گذارند. عرصه‌ی جدیدی که با فرسنگ‌ها تفاوت، با تغییر سبک زندگی و در دسترس بودن الگوهای درست و غلط، دختر نوجوان، تفکرش، ادبیاتش، خواسته‌هایش، ذائقه‌اش و گرایش‌هایش تغییرات زیادی کرده است.

آنقدر زیاد که وصف آن با هیچ دوره‌ای در گذشته، قابل قیاس نیست. زمان‌های گذشته‌ای که دختر نوجوان، الگوی تربیتی متفاوتی داشت و مهارت‌های دیگری، ارزش او را، تعیین می‌کرد. مثلاً مادر، الگوی رفتاری و مهارت‌آموزی دختر نوجوان بود یا خانواده امن‌ترین حاشیه برای حل دغدغه و گره‌های ذهنشان بود.

سرشماری مرکز آمار نشان می‌دهد نزدیک به ۱۱ میلیون و ۱۵۰ هزار نفر نوجوان داریم که حدود ۵ میلیون و

۴۵۰ هزار نفر از آن‌ها، دختران هستند، که تحت تاثیر آسیب‌های زیادی قرار گرفته‌اند:

در واقع؛ سرکوب احساسات از طرف جامعه یا در فرآیند تربیت خانواده، درک نادرست از شرایط دختران نوجوان و تفکیک نشدن تربیت دخترانه و پسرانه در نظام آموزشی، باعث می‌شود، دختران از دختر بودن خود لذت نبرند و خودشان را فردی مفید ندانند، که در نهایت باعث نارضایتی جنسیتی در آن‌ها می‌شود.

افزایش استفاده سه تا چهار برابری نوجوانان از فضای مجازی و حضور ۷۲ درصدی افراد ۱۳ تا ۱۹ ساله در این فضا، با دسترسی آسان به اطلاعات نادرست، آگاهی‌های کاذب، تحریکات مختلف و فاصله گرفتن از فضای حقیقی می‌تواند شکاف تربیتی را عمیق‌تر از قبل کند و هویت دختر نوجوان امروزی به درستی شکل نگیرد.

با این وجود؛ امروزه تنها پناهگاه دختر نوجوان می‌تواند محیط رفاقت سالم باشد! که البته هیچ طرح فرهنگی، الگویی برای حمایت از آن و فراهم کردن فضایی برای بروز هویت دختر نوجوان علی‌رغم همه محدودیت‌ها، ارائه نکرده است.

اما حالا رفیقانه در تلاش است تا ارزش عنصر تاثیرگذار رفاقت را با جامعه خویش به اشتراک بگذارد. در قدم اول خانواده، جامعه و اطرافیان باید جمع‌های دوستانه دختران نوجوان را به رسمیت بشناسند و ارزش واقعی‌شان را به آن‌ها یادآوری کنند و در جهت توانمند شدنشان قدم بردارند.



عصمت پناهیان، استاد حوزه علمیه، مبلغ و فعال فرهنگی در گفت‌وگو با نشریه رفیقانه:

دوست؛ جلوه پنهان هر فرد و اولین انتخاب یک نوجوان

با خانم عصمت پناهیان، استاد حوزه علمیه، مبلغ و فعال فرهنگی به گفتگو نشستیم و از نظرات و تجربیات ایشان، پیرامون مباحث دوستی از منظر آیات، روایت و نگاه بنیادین جامعه و خانواده به رفاقت نوجوانان، جویا شدیم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

انتخاب کرده است.

عفاف و حجاب و الگوی عزیزی به نام دوست

اکنون در تهاجم تبلیغاتی و ضد تبلیغات دین قرار داریم و مشکل ما این است که از سبک زندگی ایرانی-اسلامی فاصله گرفته‌ایم. بخشی از سبک زندگی اسلامی در رفاقت و بخشی در انتخاب جلوه می‌کند. آدمی در سن نوجوانی وقتی انتخاب کرد، خیلی وقت‌ها دیگر محاسبه نمی‌کند که عواقب آن، چقدر می‌تواند مضر و مفید باشد. جمع دوستی مستقیماً بر خلق و خوی فرد تاثیر گذاشته و ظاهر و باطن او را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

دوست و رفیق اولین انتخاب یک نوجوان است که با شوق و رغبت به سمت او گرایش پیدا می‌کند. نوجوان با انتخاب رفیق خود، احساس هویت کرده و از انتخاب فردی در کنار خود، حس آزادی و استقلال دارد. بنابراین لذت و شوق همین احساسات چنان بر او قالب می‌شود که گاهی خودش را رها کرده و کاملاً از ظاهر تا باطن، تحت تاثیر قرار می‌گیرد.

است که رفاقت و دوست را در زندگی بسیار مهم می‌داند. چراکه اولین جامعه‌ای که یک نوجوان وارد آن می‌شود، خانواده است، اما می‌دانیم که نوجوان، پدر، مادر و بستگان خود را انتخاب نمی‌کند. انسان‌ها از انتخاب، لذت می‌برند و اولین انتخاب هر

دوست خوب کیست؟
دوست خوب، دوستی
است که هویت نوجوان را
تقویت و کشف استعداد
می‌کند

انسان، رفیق و دوست اوست و یک نوجوان با انتخاب دوست خود، احساس هویت می‌کند و برای خود تصمیمی می‌گیرد. حتماً شنیده‌ایم که می‌گویند اگر می‌خواهید فردی را بشناسید، دوستش را بشناسید. چراکه دوست، جلوه پنهان فرد است که بنا بر میل، گرایش و خواسته‌های درونی‌اش

جلوه اختیار یک نوجوان در انتخاب اوست!

دین اسلام، جایگاه و اهمیت دوست را آنقدر بالا می‌داند که خداوند در آیات ۱۰۰ و ۱۰۱ سوره شعراء می‌فرماید: فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَلَا صِدِّيقٍ حَمِيمٍ، اهل دوزخ در شرایط سخت، اولین کسی را که برای مدد دنبالش می‌گردند، دوست است و در سخت‌ترین شرایط، انسان به طور فطری دنبال دوست و همراه خودش می‌گردد. همچنین امام صادق (ع) می‌فرماید: انسان‌ها گونه به گونه خلق شدند و همه به سمت همگون خود گرایش دارند. بدین معنا که افراد، به ویژگی‌های روحی و درونی که در ظاهر و باطن انسان‌ها است، چه در جهت مثبت و چه در منفی، کشش پیدا می‌کنند.

اما یکی از مسائل مهم و دارایی فرد در سن نوجوانی در زندگی، قدرت اختیار است که اختیار در انتخاب فرد جلوه می‌کند؛ پس باید به اختیار دقت داشت و از انتخاب خوب بهره برد. همچنین دین اسلام، امور فطری و واقعیت‌هایی که در وجود انسان است را منکر نشده و آن را نمی‌پوشاند. از این رو، دینی واقعیت‌نگر و حقیقت‌گرا

امروزه نیز تهاجم فرهنگی و تحت تاثیر قرار دادن نوجوانان در مسائل غربی و... از جمع‌های دوستی آغاز می‌شود. بنده سال‌ها پیش در جریان یک مسئله قرار گرفته بودم که بعضی از دختران در شهر، شغلی با درآمدی مکفی دارند که از مناطق پایین شهر هم بودند. آن‌ها صبح هر روز با سر و وضع ساده‌ای به سرکار می‌رفتند، غروب برمی‌گشتند و البته حقوق خوبی هم می‌گرفتند. اما روند کارشان اینطور بود که در آن دفتر چیزی که قرار هست مد شود از لباس و آرایش صورت و... در اختیار آن‌ها قرار می‌گرفت، پولی هم داخل کیف آن‌ها می‌گذاشتند و دستور این بود که در کافی شاپ‌ها، پارک‌ها و... وارد حلقه‌های دوستی شوند. در واقع؛ گروه‌های دوستی را شناسایی می‌کردند، وارد آن‌ها می‌شدند و با هزینه‌های زیاد در مکان‌های تفریحی، خرید، گردش و... ذهنشان را درگیر و جذب خود می‌کردند. پس وقتی می‌گوییم گروه دوستی تاثیر بسیار زیادی بر ظاهر دارد، بدین معناست که در ظاهر و باطن به عمق وجود یک نوجوان نفوذ کرده و آن را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

رابطه جمع دوستی با خانواده‌ها

خانواده‌های ایرانی اغلب به صورت سنتی، پیوند خود را با اعضای خانواده بسیار ارزشمند می‌بینند و از اینکه فرزندان با غیر از خانواده ارتباط بگیرند و از حلقه خانواده فاصله گیرند، می‌ترسند. اما نوجوان با یافتن دوست از خانواده خارج می‌شود و در این موقعیت خانواده احساس می‌کند که پیوند فرهنگ و تربیت نوجوان با خانواده از بین می‌رود که تا حدودی به جا است، و شکل افراط آن پیامد منفی به همراه دارد. در بسیاری از مواقع؛ دین را یک جنبه بررسی می‌کنیم و دیگر وجوه آن را نادیده می‌گیریم. خانواده را اینطور بررسی می‌کنیم که همه اعضا باید به آن متعهد

باشند اما خانواده چطور تعهدآور شود که اگر فرزندی از خانه بیرون می‌رود با شوق و اشتیاق بخواهد به کانون خانواده برگردد؟ بنظر بنده به خانواده‌ای موفق گفته می‌شود که با بررسی، دوست فرزندش را پذیرفته و وارد خانواده می‌کند، یعنی بجای دفع، جذب صورت گیرد، که این مسئله در خانواده‌های ایرانی کمرنگ است. خانواده‌هایی که اغلب اداره خانواده را با مدیریت پیوند با اعضای آن، تقویت نمی‌کنند و بیشتر با اعمال قدرت، ایجاد حد و حدود و باید و نبایدها فضای حاکمیتی برای فرزندان و نوجوانان

به قول شهید سلیمانی
من با تجربه این را می‌گویم
که میزان فرصتی که در
بحران‌ها وجود دارد در خود
فرصت‌ها نیست. اما شرط
آن، این است که ترسید و
نترسیم و نترسانیم

خود ایجاد می‌کنند. اینگونه خانواده‌ها به سبک مستبدانه با نوجوان خود برخورد کرده و جو استبدادی را در خانواده حاکم می‌کنند، که بجای اثر مثبت، بیشتر اثر منفی، فاصله و جدایی را ایجاد می‌کند. اگرچه بعضی خانواده‌ها که سهل‌انگارانه برخورد می‌کنند و معلوم می‌شود خودشان هم آسیب‌هایی دیده‌اند، شیوه درستی ندارند، بلکه بهترین شیوه برخورد سبک مقتدرانه با تبیین اصول و حدود با شیوه رفاقت با فرزندان و نوجوانان است. در کل دین اسلام، خانواده را محبوب‌ترین بنیان تربیتی می‌داند و در دین اسلام، خانواده باید نزدیک‌ترین و قرین‌ترین افراد با هم باشند؛ نه اینکه یکی بر دیگری کاملاً

مسلط باشد.

اما برای اینکه فرزندانمان با رفاقت از پیوند خانواده جدا نشوند، باید در ابتدا پیوند خانواده را تقویت کنیم. مسئله‌ای که در فرهنگ غرب باعث تغییر سبک زندگی شده و تاثیرات مخرب دارد. فرهنگ‌های غلط غربی که در جامعه امروز ما رشد و با سرعت گسترش پیدا می‌کنند، خانه‌های مجردی هستند. بدین معنا که؛ چون به یک سن و سالی می‌رسند از خانواده جدا شده و با دوستان خود روز را می‌گذرانند و تعهد و پیوند بین خانواده و فرزندان ضعیف و مویی می‌شود.

مسئول، مخاطب یک نوجوان

شرایط فعلی مسئولان در التفات آن‌ها به یافتن و حل مسائل نوجوانان چندان تعریفی نیست، اما اکنون در شرایط و وضعیتی هستیم که اگر مسئولین ما، جهادی و فرمانبردار ولی فقیه باشند، شرایط نامساعد به شرایط مطلوب تغییر و به بسیاری از دغدغه‌ها پاسخ داده می‌شود. چراکه در ابتدا نوجوان و جوانان ما آماده جهاد هستند و مشکل ما این است که روی آن‌ها، زیاد حساب باز نمی‌کنیم و این به نوعی جهل است. چراکه اگر بخواهیم فرزندانمان را همراهی کنیم، قبل از تعلیم دادن باید اسباب یک فعالیت را پیش رویش قرار دهیم. در تاریخ نیز افرادی بودند که از توان نوجوانان به بهترین نحو استفاده کردند. نمونه آن، اردوغان رئیس جمهور ترکیه است که قبل معرفی خود به بقیه، در محله‌های ترکیه گروه‌هایی را با نوجوانان و جوانان تشکیل داد و برای تمیز کردن شهر و زیبایی چهره شهر با آن‌ها کار و مشارکت کرد. استفاده از نیروی نوجوانان و جوانان هیجانی در مردم ایجاد کرد که ابتدا او به عنوان شهردار و بعد ریاست جمهور منتصب شد و هنوز که هنوز است پای صحبت‌هایش می‌نشینند.



رفیقانه از منظر یک سیاستگذار و مسئول فرهنگی:

ظرفیت عظیم نشاط، باید برای نوجوان امروزی فراهم شود

عاطفه سعیدی نژاد، مدیر اداره کل بانوان سازمان تبلیغات اسلامی

ندارد.

رفتارهای به ظاهر ناهنجارش در پوشش، نگهداری حیوانات، نحوه صحبت و بیان بیشتر از آنکه مخالفت با نظام رسمی و رسمیات نظام باشد، مسیری برای بروز استقلال و مدگرایی او است. همانقدر که به آسانی حالتی ناهنجار به خود می‌گیرد و آن را می‌پذیرد، اگر ظرفیت مناسب و آماده‌ای ببیند، به همان آسانی تغییر می‌کند و به سمت هنجار متمایل می‌شود.

رفیقانه پاسخی اثباتی به جاری شدن نیاز عاطفی اوست. نیازی طبیعی که به تدریج در دنیای مملو از اوهام امروز در حال انقراض است. رفیقانه تلاشی جمعی، برای احیاء زیرساخت‌های این جوشش است. رفیقانه جایی است برای تجربه هیجان انگیزها در بستری که تا حد ممکن، سیاهی‌ها و پلیدی‌ها از آن زدوده شده و آرامش و سلامت به آن دمیده شده است.

جمهوری اسلامی ایران باید بتواند این نیاز به حق را تامین کند. حال که گامی ۴۰ ساله را طی کرده است، دیگر دورانی رسیده که ظرفیت عظیم نشاط را برای نوجوان، خصوصا دختر نوجوان فراهم سازد و او را با دریایی از دلچسب‌ها در آغوش بکشد. دختری که به تدریج منتظر به رسمیت شناختن دخترانگی و اقتضائات آن، توسط تمامی اجزاء محیط با صفت جمعی و علی‌الخصوص جمع دوستی و صمیمیتی است.

هست نیز، همان فضای تخیل خود در فضای مجازی را ادامه می‌دهد. ترجیح می‌دهد گوشه‌ای را با گوشی خود بگذراند تا آنکه میان کوچه و محله را عرصه هیاهوی بازی و تفریح خود کند.

دینداری او نیز متفاوت است. ارتباطش با جنس مخالف متفاوت است، اگر با ماهواره و اینستا نیز مانوس نباشد از صدا و سیما چیزهایی دیده و شنیده که نسل قبلش در سن مشابه او هرگز ندیده بود. کوشش و خطای نسل قبل که به تازگی زمام اختیار خود را پس از قرن‌ها در دست گرفته بود را از نزدیک می‌بیند و چیزهایی که نسل قبل با رنج دوران به دست آورده و فهمیده است را به طرقة العینی مشاهده می‌کند و بسیار پخته‌تر تصمیم می‌گیرد و تاثیر می‌پذیرد.

به سرعت با ابزارها و امکانات مشابه برای زیست در کشورهای به اصطلاح جهان اول در کشور مانوس می‌شود و از آن برای حل مسائل خود و پیشبرد برنامه‌هایش استفاده می‌کند. زبان می‌داند یا سریع می‌آموزد یا در بدترین حالت به ابزارهای ترجمه آسان دسترسی دارد. برایش چیزی با ماهیت ابهام یا پیچیدگی عجیب و عظیم وجود ندارد.

او با دورانی روزهای خود را می‌گذراند که از شعارهای هیجان انگیز انقلاب و جنگ خبری نیست و تنها به دنبال کارآمدی و اثبات همان شعارهاست. او کم حوصله است و بیشتر از نفی، نیازمند اثبات است و تحمل توصیه زیاد

جامعه ایرانی در چهله دوم، دیگر با بحران‌های امنیتی و نظامی و موارد مشابه مواجه نیست. نوجوان ایرانی حسی نسبت به پدیده دهشتناک مبارزه نظامی ندارد و تعقیب و گریز و شلیک و حمله را در بازی‌های رایانه‌ای دیده و تجربه کرده است. او دورانی را طی می‌کند که با دریایی از پیشنهادات، گزینه‌ها و امکانات برای تجربه زندگی مواجه است. اضطراب‌ها، هیجانات و شگفتی‌هایی که با آن برخورد می‌کند آنقدر متنوع است که گاه متوجه طلوع و غروب مهر و ماه نمی‌شود.

پوشش‌هایی که زمانی در فضای خلوت و منزل اما و اگر داشت، امروز به آسانی در فضاهای عمومی بر تن می‌کند و آرایش‌هایی به مو و صورت خود می‌دهد که به مخیله نسل قبل او خطور نمی‌کرد. سوالاتی که نسل قبل در اواسط دهه سوم زندگی خود با آن روبرو می‌شد، نسل دهه هشتادی را بسیار زودتر ملاقات می‌کند و ناشدنی‌ها و آرزوهای نسل پیشین برای این نسل کاملاً در دسترس است. جسارتی یافته که او را تا مقام فرزندسالاری رسانده و امکاناتی در اختیار دارد که به راحتی این مقام را برایش به تثبیت می‌رساند. ضمن آنکه، به دلیل مهارت‌های زندگی مدرن اغلب از والدین خود پیشروتر است و همین جایگاه همیشگی اطمینان بخش تصمیمات والدینش را به تزلزل کشانده.

بخش عمده زندگی خود را در فضای مجازی تجربه می‌کند و آنگاه که در فضای طبیعی



مرضیه شیرین، کارشناس
حوزه کودک و نوجوان

نوجوان دهه هشتادی، عمیقاً تنهاست!

دوستی دارم که دهه هشتادی است. یک دختر زیبا و معصوم که توی دنیای نوجوانی اش غرق است. یک بار که از اتفاقات پیش آمده در زندگی ام خیلی آشفته بودم با من هم صحبت شد. در عرض یک ساعت آنقدر پیش رفتیم که دیدم بین این همه رفیقی که دارم تنها او را دوست واقعی خودم یافته‌ام و بزرگ‌ترین راز زندگی‌ام را با او در میان گذاشته‌ام و چقدر سبک‌تر شده‌ام. از آن روز گاهی یاد دوست دهه هشتادی کوچکم می‌کنم و با خودم می‌گویم چقدر دوستی با نوجوان‌ها، واقعی و خوب است، اما پس چرا نوجوان امروزی آنقدر تنهاست.

دنیای نوجوان امروزی به واسطه فضای مجازی خیلی شلوغ و در هم شده است. مثل یک شهر بازی پر زرق و برق شده. خبر فرض کنید که از بدو تولد توی یک شهر بازی زندگی کنید. چقدر سر و صدای دستگاه‌ها و ازدحام جمعیت می‌تواند خسته کننده باشد. چقدر آدم‌هایش می‌توانند رفتنی و نماندنی باشند. به واسطه فضایی که در آن مشغول به کار هستم با دختران نوجوان زیادی سر و کار داشته‌ام. واقعا فطرت پاک و معصومی دارند. به ظاهر سرخوش و بی‌دغدغه اند. برای اینستاگرام و تیک تاک کلیپ ضبط می‌کنند. با رفقایشان پیمان خواهری می‌بندند. کمتر کتاب می‌خوانند. کمتر موسیقی فاخر گوش می‌دهند. کمتر اهل ورزش اند و حتی کمتر بازی می‌کنند. به جایش زودتر به بلوغ رسیده‌اند و با اینکه دور و برشان دوست و آشنا و فالوور زیاد دارند، اما عمیقاً تنها هستند. نوجوان امروز عمیقاً تنهاست. یادم است نوجوان که بودیم هنوز گوشی موبایل برای باباها بود. به ندرت مامان‌ها هم موبایل داشتند. اگر دانشگاه قبول می‌شدیم می‌گذاشتند تلفن همراهشان را با خودمان ببریم دانشگاه تا بتوانند از خانه با ما تماس بگیرند. قبل‌ترها که هنوز هر چیزی با یک کلیک قابل دسترس نبود، با مادرها خرید رفتن خیلی رایج بود. توی خیابان خیلی می‌شد دید که مادر و دختری در حالی که گرم صحبت از همه چیز اند با هم آمده‌اند خرید. حتی سر و کله زدن برای پیشنهاد مادر و امتناع دختر از خرید لباس هم خودش یک جور گفتمان چالشی به حساب می‌آمد. نوجوان امروز حتی برای خرید روزانه‌اش هم نیازی به معاشرت و به مادرش ندارد. ظاهراً پیشرفت خوبی است. خیلی‌ها می‌گویند

نوجوان امروزی مستقل است اما من همچنان می‌گویم اگر هم مستقل است اما منزوی و تنهاست. تمام صفحات مجازی را روانشناسی زرد پر کرده است. همه جا صحبت از این است که تو مهمی، تو با ارزشی، تو باید به هر چیزی که می‌خواهی برسی اما هیچ کس نمی‌پرسد تو دقیقاً چه چیزی می‌خواهی و بعد بیاید بگوید حالا که می‌دانم چه چیزی می‌خواهی بیا دست هم را بگیریم و برویم جایی بایستیم که تو به آن احتیاج داری. یک جور خودخواهی محض القا می‌کنند فقط. نوجوان دهه هشتادی به مراتب باهوش اما کم صبرتر است و البته سردرگم‌تر.

جایی می‌خواندم وقتی حجم داده‌های ورودی مغز از یک حدی می‌گذرد مغز دیگر دست به انتخاب نمی‌زند بلکه برای جلوگیری از آسیب دیدن یک جور حالت انفعالی در شخص ایجاد می‌کند. به زبان دهه هشتادی‌ها مغز شل می‌کند. دارم فکر می‌کنم چند نوجوان دختر می‌شناسم که دچار این مسئله شده‌اند. دخترانی که هم بزرگ هستند، هم کوچک، هم هنوز شکننده اند و هم مستقل و حرف نشنو و خیلی طفلکی اند و بلا تکلیف. می‌خواهند بچگی کنند اما هیچ معیاری برای بچگی‌شان وجود ندارد. بچگی کردن را با خطر کردن اشتباه می‌گیرند. چند نوجوان دهه هشتادی می‌شناسید که گل بازی کند. گاهی برای غذای مورد علاقه‌اش بهانه بگیرد. با مادرش به خرید برود. با خواهر و برادر کوچک‌تر یا بزرگ‌ترش مشاجره کند و دقایقی بعد بروند هر دو با هم لی لی بازی کنند. چند نوجوان با دست و روی بدون آرایش اما کتاب به دست دیده‌اید. چند نوجوان برای تعطیلات آخر هفته خود می‌روند کوه یا پیاده‌روی. اصلاً نوجوانی است که برای خانواده‌اش غذا هم بپزد؟ هیچ چیز نیست. هیچ ارزشی نیست که نوجوان به آن چنگ بزند. نوجوان مانده است و خودش و دوست‌های رنگارنگش و تنها آنچه را که می‌شود از پشت مانیتور دید. کاش یکی پیدا می‌شد که برای نوجوان‌ها تور دوستی می‌گذاشت. خرید کردن حضوری با دوست صمیمی مثلاً. خیلی راحت چانه زدن سر انتخاب یک لباس. یا چالش نقاشی کردن توی پارک. تور مترو سواری و خندیدن و شیطنت توی واگن‌ها اصلاً. به همین سادگی! تور کوه رفتن. چالش غذا پختن در خانه. تور سریال دیدن با خانواده و سر و کله زدن با خواهر و برادر. تور سکوت در کنار هم حتی.

من دلم می‌خواهد دخترانی را ببینم که چشم‌هایشان می‌خندد. اگر بغض دارند به راحتی گریه می‌کنند. به معنای واقعی قوی هستند و هر چیزی ناامیدشان نمی‌کند. امیدوارم که بشود. می‌شود یعنی. من دلم روشن است.



نویسنده: طهورا میرزایی زاده

دوره همی رفیقانه:

راه تعامل با دنیای نوجوان عصر نوین

برایمان فراهم کرد تا با چند گروه رفاقتی دخترانه آشنا شویم و چند ساعتی را کنار آن‌ها بگذرانیم. نوجوان‌های امروز گاهی اوقات شگفت زده‌ات می‌کنند! این را بیشتر، وقتی متوجه می‌شوی که چند ساعتی را پای صحبت‌هایشان گذرانده باشی!

مهنّا، شمیم و فاطمه از دل یک دوستی خانوادگی با یکدیگر صمیمی شده‌اند. مهنّا ۱۷ ساله و دو سه سالی از دوستانش بزرگتر است. خودشان می‌گویند مهنّا مادر تیم است! آن‌ها سبک پوششان را طبق مدهای امروزی انتخاب کرده‌اند، هودی و بلوزهای گشاد پوشیده‌اند و یکی‌شان دستمال سر را برای پوشش سر انتخاب کرده است. می‌گویند وقت زیادی را در کنار هم می‌گذرانند، ترجیح می‌دهند بیشتر با دوستانشان به تفریح بروند، هرچند که با تفریح خانوادگی هم موافق اند و وقتی صحبت از تفریح می‌شود انتخابشان بیشتر پارک ملت، پل طبیعت، باغ کتاب، طبیعت گردی و حتی موزه گردی است.

از آنجا که آن‌ها هم مثل اکثر نوجوانان، بیشتر زمان خود را در گروه دوستی‌شان می‌گذرانند، پیرامون این موضوع و نگاه خانواده‌ها به رفاقت با آن‌ها صحبت کردیم. نظر جمعی‌شان این است که خانواده‌هایشان نسبت به گروه سه نفره‌شان دید منفی‌ای ندارند و بنظرشان آشنایی خانوادگی در این نگاه بی‌تاثیر نبوده است.

مهنّا می‌گوید: به طور کلی دید خانواده‌ها خیلی متفاوت است. مثلاً خانواده بعضی از دوستان ما، اجازه نمی‌دهند باهم بیرون برویم، درحالی که خانواده من با وجود طولانی بودن مسیر، اجازه می‌دهند تا باغ کتاب بیایم. مثلاً می‌گویند تو هنوز به سن ۱۶ سالگی نرسیدی و بیرون رفتن برای تو زود است. خب می‌دانید ما واقعا می‌خواهیم تفریح کنیم ولی دیگران طور دیگری فکر می‌کنند.

پرده اول: ابری، بارانی و آفتابی همراه با ورزش نسیم بهاری..!

روزهای خوش و ناخوش و نه چندان دور نوجوانی را از نگاه می‌گذرانم، گاهی مانند ورزش نسیم بهاری برایم دلچسب است، مثلاً همان مواقعی که از دید یک نوجوان پله پله به استقلال و آزادی در رفت و آمد با دوستانم نزدیک می‌شدم و از پس چالش‌ها برمی‌آمدم و گاهی هم روزها برایم مه گرفته و ابری است، آنجا که در هزارتوی پیدا کردن خودم، علایقم و انتخاب دوستانم و متقاعد کردن خانواده‌ام گم می‌شدم..

درمیان روزهای سپری شده نوجوانی‌ام، خیلی اوقات خودم را در حس و حال دختران دهه هشتادی شریک می‌دانم، اهمیت انتخاب‌هایشان را درک می‌کنم و نیازشان به درک شدن و همزبانی و وقت گذرانی با دوستانشان را از عمق جانم می‌فهمم، اما همین یک دهه فاصله تفاوت‌هایی را هم میان ما و نوجوانان امروزی به وجود آورده است. تفکر، علایق و سلاقی، خواسته‌ها و حتی ادبیات نوجوان امروزی گاهی اوقات رنگ و بویی متفاوت به خود می‌گیرد، و درک این تفاوت‌ها ما را به دنیای نوجوانی آن‌ها نزدیک‌تر می‌کند. دنیایی که اغلب آن را در پروسه بزرگ شدن فرزندان نادیده می‌گیریم و اصلاً نوجوان شدن و بُر خوردن او را در گروه‌های رفاقتی متصور نمی‌شویم..

پرده دوم: لمس دنیای نوجوانی

بالاخره از یک راهی باید فاصله میان خودمان و نوجوان امروزی را پرکنیم!

ما انتخاب کردیم یک قدم به دنیای دوستانه نوجوان‌ها نزدیک‌تر شویم و با کلماتی از جنس خودشان، دنیای نوجوانی را لمس کنیم. یک عصر پاییزی آخر هفته در باغ کتاب تهران، فرصت خوبی

پرده آخر:

از مهم‌ترین دغدغه‌هایت با مسئولین بگو!

مهنّا، شمیم و فاطمه می‌گویند دغدغه‌های ما نوجوان‌ها زیاد است، یک نوجوان بلاتکلیف است و باید به ساز همه برقصد، یا سعی کند شرایط را درست کند و یا با آن سازگار شود، دغدغه درس و انتخاب رشته را دارد، مجازی شده‌است و نمی‌شود به خوبی گذشته درس خواند.

وقتی از آن‌ها می‌خواهیم دغدغه‌هایشان را با مسئولین در میان بگذارند، در ابتدا مهنّا می‌گوید: هرکس از خودش باید شروع کند، مثلاً هرکس باید بداند وقتی از خانه خارج می‌شود چه رفتاری از خودش در جامعه بروز دهد تا نه برای خودش نه برای دیگران مزاحمت ایجاد نکند. مسئولان در حد ساختن یک مکان و وسایل و ابزار تفریحی می‌تواند کاری انجام دهد و هرچقدر هم اخلاق را فریاد بزنند تا ما و جامعه از خودمان شروع نکنیم چیزی درست نمی‌شود.

شمیم نیز می‌گوید: بنظر من آموزش را پیشرفته‌تر کنند و در کنار وظایف فردی، مسئولان هم باید وظایفی را انجام دهد تا محیط برای نوجوان‌ها بهتر شود.

شمیم می‌گوید: در این مواقع یا با هم حرف می‌زنیم، یا قرار می‌گذاریم جایی یکدیگر را ببینیم و وقتی همدیگر را می‌بینیم، مشکل کلا از یادمان می‌رود.

هریک از دخترها در زندگی شخصی خود الگویی دارند، یکی می‌گوید دوست دارم شبیه دایم‌ام باشم چون در زندگی و درسش موفق است، دیگری از مادر صبور و باپشتکارش الگو می‌گیرد، اما دوست دیگرشان عقیده دارد خودش الگوی زندگی‌اش است و ترجیح می‌دهد شبیه خودش زندگی کند، اما مثلاً از مادر خود صبور و مهربان بودن را یاد می‌گیرد. حالا فاطمه، مهنّا و شمیم وقتی در گروه دوستی در کنار یکدیگر جمع می‌شوند رفتار و گفتار خودشان می‌تواند الگوی دوستشان قرار گیرد. وقتی از آن‌ها می‌پرسیم چه چیزهایی از یکدیگر یاد گرفته‌اید؟ مهنّا می‌گوید از شمیم صبور بودن و از فاطمه مهربان بودن را یاد گرفته است و فاطمه نیز می‌گوید پایه بودن شمیم را دوست دارد و یاد گرفته است پایه جمع رفاقت‌شان باشد. و شمیم و فاطمه به اتفاق می‌گویند از مهنّا درس خوان بودن و تلاش زیاد را یاد گرفته‌اند.

و وقتی از مهنّا می‌پرسیم اگر دوستانش از زیر درس خواندن فرار کنند، او چه کار می‌کند؟ او با خنده جواب می‌دهد با اینکه از طرفی خیلی مهربان هستم ولی زود هم عصبانی می‌شوم، وقتی فاطمه و شمیم درس نمی‌خوانند سریع واکنش نشان می‌دهم و برخورد می‌کنم!

در ادامه صحبت‌هایمان از دیگر علایق و سلاقی دخترها صحبت می‌کنیم، آن‌ها می‌گویند بیشتر سریال‌های عاشقانه ترکیه‌ای، سریال‌های آمریکایی، فانتزی و سریال‌های نمایش خانگی ایرانی را می‌بینند و درباره آن در جمع‌های خود صحبت می‌کنند. همچنین در میان موسیقی‌ها نیز خارجی را به ایرانی ترجیح می‌دهند و رپ را بیشتر از سایر سبک‌ها گوش می‌دهند.

فاطمه دنباله حرف را می‌گیرد و می‌گوید: شاید اولین بار که می‌خواهیم جایی برویم، خانواده‌ها سخت بگیرند، مثلاً خانواده من مسیرهای دور را اجازه نمی‌دهند ولی در کل مشکلی ندارند. اما بنظرم از همین سن باید تنها بیرون رفتن را شروع کنیم تا کم کم با مکان‌ها آشنا شویم.

اینجا دیگر بیشتر صحبت از هیجان‌ات تجربه نشده به میان می‌آید، هیجان‌اتی که از نظر دخترها، شرایط جامعه مانع از تجربه آن‌ها می‌شود، مثلاً آن‌ها دوست دارند شب‌ها تنها بیرون باشند، و یا دوست دارند هرجایی که دلشان می‌خواهد حتی اگر در مسافت دوری باشد، بروند و این را تجربه کرده و یاد بگیرند.

و وقتی از آن‌ها می‌پرسیم که آیا بسترهای تفریحی درحال حاضر برای نوجوان کافی و مناسب است؟ مهنّا با همراهی دوستانش جواب می‌دهد: نمی‌توان توقع بهتر از این را داشت، اما خب می‌شود مکان‌های دیگری نیز آماده کرد که فقط مخصوص نوجوان باشد و دیگران نباشند، چرا که یک سری خانم‌ها فکر می‌کنند ما با این تیپ و قیافه‌مان خیلی با آن‌ها فرق داریم یا خانم مسنی که ما را یکجوری نگاه می‌کند، شاید از این‌ها معذب نشویم ولی صد در صد ناراحت می‌شویم.

پرده سوم: بگو با که دوستی تا بگویم کیستی

دوستی‌ها با درک یکدیگر و در کنار هم بودن ادامه پیدا می‌کنند و رفیق‌ها برای خوشحالی هم هرکاری از دستشان بربیاید انجام می‌دهند. مهنّا، شمیم و فاطمه هم با کارهای کوچکی که هرکدام دوست دارند، یکدیگر را خوشحال می‌کنند و قدر دوستی‌شان را می‌دانند، در مشکلات کنار هم هستند و سعی می‌کنند با کمک به دوستشان به رفع آن مشکل کمک کنند و کم کم در مواقع دلتنگی برای همصحبتی با دوست خود همیشه آنلاین هستند.

دوره‌های رفیقانه:

قدم زدن با کفش دهه هشتادی‌ها، دردنیای رفاقت و نوجوانی

می‌گذارند. ساغر دوست دارد با دوستانش بیشتر به هیئت بروند چرا که می‌توانند از سخنرانی‌هایش مطالب خوبی یاد بگیرند.

وستا بیشتر با دوستان خودش به پیاده روی می‌رود و می‌گوید اصلاً کافه و محیطش را دوست ندارد و از افرادی که کافه می‌روند و عکس خودشان را با یک کتاب در اینستاگرام می‌گذارند و ادای روشنفکری در می‌آورند خوشش نمی‌آید، وستا می‌گوید: بنظم جای مناسبی برای تفریح نوجوان‌ها وجود ندارد، همین محیط بوستان کتاب جای مناسبی است و مکان‌هایی شبیه اینجا باید در سطح کشور و نه فقط تهران، زیاد شود تا این تبعیض کم‌تر شود.

اما مهدیه نظر متفاوتی نسبت به مناسب بودن فضای باغ کتاب دارد، او می‌گوید اینجا هم خیلی محیط مناسبی نیست چراکه یک دفعه اینجا به چادری‌ها بی‌احترامی شده بود..

چادر سرش کرده بود ولی رنگ ناخن‌هایش به عنوان نقطه متضاد نمایان بود، اما وستا دختر مو طلایی این گروه، سبک پوشش‌اش با بقیه متفاوت بود و موهایش را پسرانه کوتاه کرده بود اما در نهایت همه آن‌ها در یک گروه جدید دوستی حل شده بودند.

تفریحات و هیجان‌ات دهه هشتادی‌ها

برای گرم گرفتن با بچه‌ها اول درباره سلیق‌شان در تفریحات مختلف حرف زدیم. کتاب خواندن، آهنگ گوش دادن، بیرون رفتن با دوستان و خانواده نقطه مشترک تفریحاتشان بود ساغر و وستا به این لیست، باشگاه رفتن و مقاله خواندن را هم اضافه کردند.

دخترها نظرشان را جزئی‌تر درباره تفریح با دوستانشان و اینکه چه بسترهای مناسبی برای تفریح وجود دارد، با ما درمیان

گفتگو با دختران نوجوان، ما را پله پله به کشف دنیای آن‌ها نزدیک می‌کند. ممکن است هر بار با فهمیدن یکی از سلیق یا دغدغه‌هایشان، انگشت حیرت به دهان بگیریم یا آنقدر برایت آشنا باشد که خودت را جای دختر دهه هشتادی بگذاری و با او همذات پنداری کنی، ما در آن عصر پاییزی که باغ کتاب بودیم با زهرا، وستا، مهدیه و ساغر نیز هم‌صحبت شدیم.

زهرا، وستا، مهدیه و ساغر برای درس خواندن به باغ کتاب تهران آمده بودند، وستا دوست صمیمی زهرا بود که در همین روز پاییزی برای اولین بار در حال آشنایی با دیگر دوستان زهرا بود.

ساغر یک سالی از محجبه و چادری شدنش می‌گذشت و یک روسری طرح چفیه سرش بود. مهدیه چادری بود و یک ماسک گلگلی به صورتش داشت، زهرا هم مثل دو نفر دیگر



آنچه در جشنواره نمایشی دختران تمدن ساز گذشت..

جشنواره نمایشی دختران تمدن ساز، در مهر ماه سال ۱۴۰۰ و با همت امور بانوان اداره کل سازمان تبلیغات اسلامی استان قم برگزار شده است پس از فراخوان این جشنواره، در کمتر از یک ماه، ۱۸ گروه نمایشی ثبت نام کردند و با پشتیبانی محتوایی و نظارتی در دو قالب اجرای زنده و رادیویی، در روزهای ۱۶ و ۲۳ مهرماه، با حضور داوران توانمند منتخب جشنواره‌های بین‌المللی، به اجرا پرداختند.

موضوعات نمایش‌ها در زمینه دینی، اجتماعی، تاریخی و با محوریت مسائل بانوان بود. علاوه بر آن؛ سوره فجر، حضرت رقیه (س) و زندگی‌نامه همسران و دختران ائمه و همچنین آزادی دختران را شامل می‌شود و سه نمایش نیز به زبان طنزگونه اجرا شد. بیش از ۱۵۰ نفر در قالب بازیگر، فیلمنامه نویس و کارگردان در این جشنواره نمایشی شرکت کردند. و اختتامیه این جشنواره به مناسبت هفته وحدت و با حضور حجت‌الاسلام والمسلمین رضا عزت‌زمانی، معاون فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی، حجت‌الاسلام والمسلمین مرتضی شعبان‌زاده، مدیرکل تبلیغات اسلامی استان قم، و صدیقه صدیق، مدیرکل امور بانوان و خانواده استانداری قم، در سالن کوثر این اداره کل برگزار شد. در این مراسم، از چهار گروه منتخب نمایش صحنه‌ای، یک گروه منتخب نمایشنامه خوانی، دو بازیگر منتخب و یک گروه منتخب مردمی از نمایش صحنه‌ای تقدیر شد.

دوست دارم ولی مادرم زیاد به آن تمایل نشان نمی‌دهد، گاهی اوقات اجازه می‌دهد و گاهی اوقات هم من قبول می‌کنم که با دوستانم به کافه بروم.

و ساغر و مهدیه به اتفاق می‌گویند تا چند وقت پیش اجازه نداشتند تنها از مترو استفاده کنند و الان که می‌توانند سوار شوند با اینکه مسئله زیاد مهمی نیست اما از اینکه کسی همراه و مراقب آن‌ها نیست حس خوبی دارند و احساس استقلال می‌کنند.

در نهایت ساغر گلایه می‌کند که استقلال نداشتن ما ۹۹ درصد بخاطر جامعه است..

از رپ تا مداحی!

سلیقه موسیقایی زهرا، مهدیه و ساغر بیشتر رپ و پاپ یا هر آهنگی که در فضای مجازی طرفدار پیدا می‌کند است و ریتم و آهنگ برایشان اهمیت بیشتری دارد، اما وستا بیشتر جاز، راک و کلاسیک را برای شنیدن انتخاب کرده و به متن آهنگ توجه می‌کند و حتی ترجمه آهنگ‌های خارجی را نیز می‌خواند.

در ادامه که صحبت از گروه‌های موسیقی آسیای شرقی می‌شود وستا آن را بحثی کلیشه‌ای درباره کره‌ای‌ها خطاب می‌کند و می‌گوید تا یک گروه معروف می‌شوند همه ذهن‌ها به سمت آن‌ها می‌رود. از آن طرف ساغر می‌گوید گروه بی تی اس بیشتر از بلک پینک‌ها در میان دختران نوجوان طرفدار دارند.

وستا برای تکمیل حرفش، دوباره شروع به صحبت کرده و می‌گوید: در یک دوره زمانی دوست داری از چیزی تقلید کنی و الگوی تو باشد. متأسفانه جامعه ما، ورزشکار یا هنرمند خوبی برای الگو کردن ندارد و خانواده‌های ما نیز الگویی نیستند که ما می‌خواهیم، لذا به سوی خارجی‌ها رو می‌آوریم، مثل بی تی اس‌ها. جامعه ما اگر هم بخواهد چیزی را الگو کند، مثل شهدا، از زاویه غلطی وارد می‌شود و بدتر آدم را دل‌زده می‌کند، بخشی از مشکل ما از شیوه الگو سازی است.

قرار نیست ما بخاطر چادری بودنمان، حرف بشنویم و چون حجاب و عقیده داریم دیگران به ما طور دیگری نگاه کنند.

ساغر رشته کلام را دست می‌گیرد و ادامه می‌دهد: بنظر من باید در اینباره در رسانه‌ها فرهنگ سازی شود، چون همین رسانه‌ها چادری‌ها را طور خاصی معرفی کردند و ما باید خودمان دست به کار شویم و نشان دهیم یک چادری مثل بقیه آدم‌هاست و بد نیست.

به تو اعتماد دارم، به جامعه نه!

به بحث اصلی‌مان برمی‌گردیم، تا دخترها بیشتر درباره نگاه خانواده‌شان به جمع دوستانه و رفت و آمدهای دوستانه‌شان صحبت کنند. آن‌ها می‌گویند خانواده‌ها دیدشان نسبت به جامعه مثبت نیست، به ما اعتماد دارند ولی به جامعه نه! مهدیه می‌گوید همین امروز هم مادرم تا باغ کتاب همراه آمد و وقتی کنار زهرا نشستم و بعد از مدتی خیال مادرم راحت شد، به خانه برگشتند. وستا هم می‌گوید پدر و مادرش مشکلی با رفت و آمد با زهرا ندارند چون دوست قدیمی هستیم و خانواده او را می‌شناسند.

زهرا، ساغر، وستا و مهدیه وقتی می‌خواهند از هیجانات تجربه نشده‌شان، از کارهایی که دوست دارند انجام دهند اما خانواده به آن‌ها اجازه نمی‌دهد، صحبت کنند، همگی دست می‌گذارند روی یک چیز و آن هم تنهایی و با دوستان به مسافرت رفتن است! وستا می‌گوید بخاطر تلفات جاده‌ای زیاد اجازه مسافرت با مدرسه را نداشتیم، اما همان یکبار هم که رفتم تجربه خیلی خفنی بود!

دخترها در آرزوی تجربه این هیجان، از دیگر محدودیت‌های دوران نوجوانی‌شان می‌گویند، مثلاً ساغر می‌گوید خانواده‌اش برای هیئت رفتن با او مخالفت می‌کنند چون خودشان هم مذهبی نیستند و یا زهرا می‌گوید بادی جامپیک را دوست دارد اما مادرش به او اجازه نمی‌دهد، یا مهدیه می‌گوید بخاطر چادری بودنم مادرم اجازه انجام بعضی بازی‌ها را به من نمی‌دهد و حتی من رفتن به کافه و رستوران را

از مهم‌ترین دغدغه‌هایت با مسئولین بگو!

وقتی صحبت از بیان دغدغه‌های امروز نوجوان می‌شود، زهرا محکم و قاطع شروع می‌کند: دغدغه امروز نوجوان، دغدغه جنسیتی است. من یک زنم و در جامعه برای بیرون رفتن، تنها مسافرت رفتن، مشکل دارم. اگر یک پسر بودم الان خیلی راحت بیرون می‌رفتم و خانواده هم نگران نبودند. حتی در انتخاب رشته و شغل، مردها شرایط مناسب‌تری دارند. بزرگترین دغدغه من تبعیض جنسیتی است.

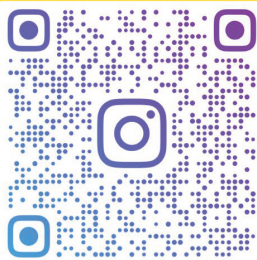
بقیه دوستانش دنباله حرف او را می‌گیرند، وستا می‌گوید: بخشی از دغدغه من دقیقاً به حرف زهرا برمی‌گردد، که من به عنوان یک زن بتوانم استقلال ۱۰۰ درصدی داشته باشم نه اینکه یک پدر و یا همسر حامی من باشد، و دیگر اینکه بتوانم خودم را مانند مردان در جامعه بالا بکشم.

ساغر هم می‌گوید دختران در جامعه، خیلی امنیت ندارند و خانواده‌ها می‌گویند قبل از تاریکی هوا حتما باید به خانه برگردیم. مهدیه نیز با اعتراض حرفش را بیان می‌کند که خانواده‌ها باید درک کنند ما هم دوست داریم و می‌خواهیم با دوستانمان بیرون برویم. و در نهایت دخترها درخواست خود را با مسئولین درمیان می‌گذارند، اولین نفر وستا شروع به صحبت می‌کند و می‌گوید: بنظرم مهمترین رکن جامعه آموزش است و آموزش و پرورش ایران بهتر است تغییر کند و از این سیستم چند صد ساله نشستن پشت میز و درس‌های تکراری و بیهوده باید به سمت روش نوین پیش رود.

مهدیه نیز درخواستش را اینچنین مطرح می‌کند که مسئولین قانون حمایت از ما و استقلال ما را وضع کنند، نوجوان دوست دارد با امنیت در شب در خیابان‌ها راه برود.

و در نهایت ساغر از فرهنگ سازی برای مردم جامعه می‌گوید که باید در اولویت کار مسئولین باشد و مثال می‌زند که بخاطر مناسب نبودن محیط پارک‌ها خانواده من دوست ندارند من در آنجا حضور داشته باشم.

وستا برای جمع بندی حرف‌ها پیش قدم می‌شود و می‌گوید: ما گاهی می‌گیم جامعه اما واقعیت اینه که جامعه رو تک تک ما می‌سازیم! فردا اگر من یک مادر شدم یا به برادر کوچکترم می‌توانم یاد بدهم که چطور با خانم‌ها در سطح جامعه برخورد کند، یعنی ما خودمان می‌توانیم تاثیرگذار باشیم و درباره مسائل مختلف فرهنگ سازی کنیم.



RAFIQANEH_N



تحلیل روانشناسانه از خرده روایت‌های دورهمی رفیقانه

منصوره طالبیان

دکتری مشاوره دانشگاه علامه طباطبایی تهران و درمانگر کودک و نوجوان



برای مشاهده پادکست، کد QR را اسکن کنید. این کد از روز پنجشنبه، ۱۳ آبان ۱۴۰۰ فعال می‌شود.

📌 دیدگاه‌های خود را با ما در این پادکست به اشتراک بگذارید.



فاطمه زهرا صرامی، فعال
حوزه کودک و نوجوان

ما و رفیقامون! شما همه!

دنیای ما نوجوان‌ها، دنیایی است که هر گوشه‌اش یک رنگ است! مثل پازلی است که هر تکه‌اش یک نقش دارد. حتی اگر بخواهی فقط یک تکه‌اش را حذف کنی، چیز ناقصی از آب درمی‌آید!

تکه پازل‌هایی که دنیای رنگی ما را ساخته‌اند متفاوت و مختلف‌اند؛ اما نباید ناقص یکدیگر باشند. یعنی تکه پازل پر انگیزه بودن، مکمل تکه پازل پشتکار داشتن است. تکه پازل جستجوگر بودن هم، مکمل پر سوال بودن است. از میان این تکه‌ها، یکی است، که یکی‌ست! همتا ندارد! تکه‌ای است که شخصیت اجتماعی و هویت‌مان را شکل می‌دهد.

بله، تکه پازل رفاقت! همانی که خیلی‌ها جدی‌اش نمی‌گیرند؛ یا آنقدر برایشان ترسناک است که از روی میز تکه پازل‌ها، حذفش می‌کنند!

و معمولاً اینجا، دو حالت نامطلوب داریم: یا این تکه پازل را آزاد می‌گذارند تا به هر طرف که راهش افتاد برود. یا اینکه آنقدر بر سرش می‌کوبند که محو و نابود شود.

معمولاً در مورد حالت اول ذهنیت داریم، رفاقت‌هایی که سر از ناکجا آبادها و کمپ‌های ترک اعتیاد در آورده‌اند.

اما در مورد حالت دوم اکثراً فکر می‌کنیم، چندان هم بد نیست؛ کم‌هزینه و بی‌خطر!

اصلاً هلویی نداشته باشیم که بخواهد بپرد در گلو، که خدایی نکرده به فکر گلوگیر بودنش باشیم.

نوجوان را چه به رفیق و رفیق‌بازی؟ هر وقت بزرگ شد، برود سراغ دوست‌های عاقل و بالغش!

نوجوان را چه به تجربه دورهمی‌های دوستی و سرگرمی‌های سالم؟ گوشه‌ای تنها بنشیند و مدام در صفحات مجازی سیر کند!

اما نوجوان جماعت، دوچرخه را برای ده‌دوازده سالگی می‌خواهد، نه سر پیری!

این شلوغی و شوق را در همین لحظه‌ها می‌خواهد، نه فرداهایی که گرفتار انزوا و جمع تنهایی خود باشد!

حالا به اینجا می‌رسیم...

که وقتی از دوستم می‌خواهم با هم بیرون برویم، و او در جواب می‌گوید: «خانواده اجازه نمی‌دهند!»

چند اتفاق می‌افتد:

از طرفی دوستم از پیشرفت در روابط اجتماعی عقب می‌افتد و شاید سعی کند این خلأ را با چیزهای دیگری پر کند.

چیزهای دیگری که برایش، رفیق نمی‌شوند!

چیزهایی مثل پیچ و کانال و استوری!

چیزهایی که هیچ وقت جای دوست را نمی‌گیرند.

از آن طرف، منی که نشسته‌ام و به دنبال کس دیگری هستم، که آیا هم فکر من باشد، آیا نباشد؟

آیا پیدا بشود، آیا نشود؟!

می‌دانید از چه می‌گویم؟ از این تکه پازل زنجیره‌ای، که مربوط به من تنها نیست!

مربوط به ما است!

و ما، متشکل از من، دوستانم، خانواده‌هایشان و کسان دیگر است!

ای کاش یادمان نرود که خدای دوستی‌ها، در قرآن، از دینی گفته که بیشتر مربوط به «ما» است، تا مربوط به من‌ها!

خدایی که همان‌جا، از به پا داشتن نماز و پرداختن زکات گفته، از سفارش کردن یکدیگر به خوبی‌ها هم سخن گشوده!

حتی همان‌جا که سفارش به رکوع کرده، گفته رکوعت همراه با راکعان باشد!

حالا شما بگویید! چطور می‌شود، در و دیوارها را سفارش به خوبی کرد؟!

راستی چطور می‌شود؟



نویسنده: معصومه ندری

دکتر سعید حسن‌زاده، مدیر پروژه دانوین که اولین کتاب هوشمند درسی تعلیم و تربیت بوده و با رویکرد سرگرم آموزی به دنبال جذاب نمودن فضای علمی و تربیتی است. وی در جلسه هم‌اندیشی با کارگروه رفیقانه مطرح کرد:

رفاقت را به رسمیت بشناسید

رفاقت پدیده‌ای کلیدی است، که باید معنا شود. قرآن درباره پدیده‌های مختلفی صحبت می‌کند و یکی از این موارد، پدیده رفاقت است. قرآن رفاقت را به رسمیت شناخته و آثارش را گفته است و تعبیری از جمله؛ خلیل، قرین و... همگی در مورد رفیق به کار رفته‌اند. همچنین در مورد تاثیرگذاری رفیق در سرنوشت انسان، در آیه ۵۱ صافات آمده است " ...انی کان لی قرین؛" این آیه داستان کسی را بیان می‌کند که در روز قیامت سراغ رفیق دنیایی خود را از بهشتیان می‌گیرد، او را جهنمی می‌یابد و خدا را شکر می‌کند که به حرف او گوش نکرده و از جهنمیان نشده است.

علی رغم اهمیت بسیار زیاد رفاقت، متأسفانه تعریف صحیح و دقیقی از این پدیده ارائه نشده است. اگر از ما در مورد "چای" و ماهیت آن بپرسند می‌توانیم توضیح دهیم که چای نوشیدنی گوارایی است که شامل ترکیباتی از قبیل؛ کافئین و ... و طرز استفاده از آن چنین و چنان است؛ اما ماهیت رفاقت را نمی‌شناسیم. نمی‌دانیم گلوگاه‌هایش کجاست، آسیب‌هایش چیست، کجا بهتر رشد می‌کند و ملاحظاتش چیست!

این در حالی است که اگر نگاهی به آموزه‌های اسلام و منابع دینی خود بیاندازیم مملوء از برنامه‌ها، احکام و تعبیر مختلف در مورد پدیده رفاقت

و الگوی رفاقت‌ورزی است. آن جا که امیرالمومنین(ع) می‌فرماید: " اُبْدُلْ لِصَدِيقِكَ كُلَّ الْمَوَدَّةِ ، و لا تَبْدُلْ لَهُ كُلَّ الطَّمَأِينَةِ "؛ هر چه محبت داری نثار دوستت بکن، اما هر چه اطمینان داری به پای او مریز و یا در جای دیگر ایشان در وصیتی به امام حسن(ع)، حقوق دوستان را اینگونه می‌شمارند: وقتی که دوست و برادر دینی‌ات با تو قطع رابطه کرد، تو پیوند دوستی با او بر قرار کن؛ اگر او روی برگرداند تو مهربانی کن؛ اگر او بخل ورزید تو بذل و بخشش کن؛ وقتی او دوری می‌کند، تو به او نزدیک شو؛ چون او سخت گرفت، تو آسان بگیر؛ وقتی گناهی و تقصیری از او سر زد، تو عذر او را بپذیر.

دوستی و رفاقت در فضای فرهنگی

در فضای فرهنگی ایرانی ما نیز پدیده رفاقت مهم و یک ارزش بوده است و در فرهنگ ما ریشه دوانده است و ردپای آن را می‌توان در آثار سینمایی کلاسیک و قدیمی دید اما با گذشت زمان و در عصر امروز چیزی که شاهد آن هستیم کمرنگ شدن اهمیت این پدیده و از این قبیل پدیده‌ها و حتی گاهی تبدیل شدن آن به یک ضد ارزش است.

ما ممکن است دچار یک جامعه تکه تکه شویم؛ فرد گرایی شدید، از دست رفتن هویت محله، اینکه همسایه‌ها حتی یکدیگر را نشناسند و در شرایط کرونا، مدرسه‌های مجازی، همگی جامعه را به این سمت سوق می‌دهند و این خیلی ترسناک است.

ما تا الان برای فضای رفاقت طرحی نداشته‌ایم. بسیاری از پدیده‌های فرهنگی را نمی‌توان تک بعدی بررسی کرد، بلکه فرهنگ به صورت کلاف پیچیده‌ای است که ابعاد مختلف آن از یکدیگر متاثرند. مثلاً ریشه‌های حل مسئله عفاف و حجاب را می‌توان در پدیده رفاقت هم جستجو کرد. کمالینکه رفاقت بین پدر و دختر و تأثیری که بر شکل‌گیری هویت ارزش پذیر در دختران دارد، انکار ناپذیر است.

والدین بپذیرند که رفاقت، ارزشمند است

ما به عنوان یک والد باید خوشحال باشیم که فرزندمان رفیق دارد؛ چرا که اصلاً ابعادی از انسانیت و هدایت با این اتفاق بروز و ظهور می‌یابند و شکوفا می‌شوند. مثلاً داشتن همسر، اصالتاً ارزشمند است، ممکن است مسائل و مشکلات و ظلم‌هایی نیز در این بین شکل بگیرد اما اصل زوجیت مقدس است. رفاقت هم به همین شکل است، اصالتاً خوب و ارزشمند است، چراکه باعث می‌شود عواطف انسانی توسعه پیدا کنند. اگر رفاقت را محدود کنیم، زمینه بروز

بسیار کوچک‌تر می‌شود.

یکی از بزرگترین فضاهایی که انسان در آن رشد می‌کند، بعد از خانواده، رفاقت است. خانواده برای رشد ما مثل اقیانوس است و یک پله پایین‌تر از آن نیز رفیق است. و این اتفاق به این دلیل می‌افتد، که یکی از درهای وجود انسان باز می‌شود که در مکان‌های دیگر این اتفاق نمی‌افتد. یعنی وقتی فضای ارتباطی آزاد و راحت و بر پایه اعتماد شکل بگیرد؛ استعدادها و خصوصیات از آدم بروز می‌کند که در حالت‌های رسمی محال است بروز یابد. بنابراین؛ ماهیت شناسی، ظرفیت شناسی و پاسخ به سوالات کلیدی درمورد این پدیده امری است که باید رقم بخورد تا بتوان از تمام ظرفیت این فضا به طور آگاهانه و صحیح استفاده کرد.

رفاقت را به رسمیت بشناسید!

گام اول در برخورد با مسئله رفاقت، به رسمیت شناختن آن است. پدر یا مادر زمانی که فرزندشان برای اولین بار کلمه‌ای بر زبان می‌آورد خوشحال می‌شوند که قدرت تکلم یافته اما اگر این فرزند، رفیق پیدا کند، خوشحال نمی‌شوند و این اشتباه است. والدین باید فرزندانشان را به سمت دوست‌یابی صحیح سوق دهند.

و گام دوم اینکه نوجوانان و فرزندان ما احساس مقبولیت و پذیرفته شدن گروه دوستان‌شان را در بین خانواده داشته باشند. یعنی خانواده‌ها تشویق شوند به اینکه از فرزندشان به همراه رفیق‌اش پذیرایی کنند، برایشان وقت بگذارند و با هم به تفریح و گردش بروند.

نکته دیگر این است که معمولا در رده سنی کودکان و نوجوانان رفیق بد وجود ندارد. بچه‌ها ساحت پاکی دارند و به شدت تأثیرپذیر هستند و حتی اگر در مواردی ناهنجاری‌هایی وجود داشته باشد با صرف وقت و انرژی می‌توان اصلاحات مدنظر را انجام داده و به نتیجه مطلوبی رسید. اگر رفاقت‌ها را به حال خودش رها کنیم و برای

آن وقت نگذاریم، کم‌کم رفاقت‌ها پنهانی می‌شود و تخلیه هیجانات به دور از چشم خانواده رقم می‌خورد. نیاز به هیجان و سرگرمی یک نیاز فطری است که باید به رسمیت شناخته شود. اگر این نیاز توسط خانواده‌ها نادیده گرفته شود، طبیعت آن همچنان پا برجا خواهد بود و فقط از راه‌های دیگری و در کانال دیگری به آن پاسخ داده خواهد شد. اینجا است که بازی‌هایی از جمله؛ نهنگ آبی، مومو و... می‌توانند از بین نوجوانان ما قربانی‌های خود را جدا کنند.

واقعیت دیگری که در فضای رفاقت و تخلیه هیجانات وجود دارد، تبعیض و اختلاف بین برخورد با پسران و دختران است. چراکه بسیاری از دختران نوجوان ما دائماً در حال مقایسه خودشان با پسران هستند و نارضایتی جنسیتی اولین پیامد برخوردهای جنسیت‌زده در جامعه خواهد بود. جامعه، حاکمیت و فضای خانواده‌ها باید به این سمت بروند که دختران نوجوان ما بتوانند هیجان را در بستر امنی تجربه کنند. متأسفانه فضاهای این چنینی برای دختران نداریم و یا کم داریم.

پس از به رسمیت شناختن پدیده رفاقت توسط خانواده‌ها، تشویق و حمایت آن‌ها با مدارا و صبوری، می‌توان از دل همین رفاقت‌ها ابعاد مختلفی از رشد، هدفمندی، معنای زندگی و... استخراج کرد، همانطور که هیچ پدر و مادری وقتی کودکش برای اولین بار قرآن می‌خواند، اشتباه او را توبیخ نمی‌کند و بلکه تشویقش می‌کند. مفهوم رفاقت در حال حاضر با بطلان گره خورده است و این بسیار غلط و آسیب‌زاست. این دو مفهوم را باید از هم جدا کرد. گروه‌های دوستی باید به سمت هدفمندی بروند و باید برنامه مشترک چند ساله داشته باشند و در بستر دوستی و رفاقت ابعاد مختلف رشد را تجربه کنند. اما این اتفاق نمی‌افتد، مگر با به رسمیت شناختن این پدیده و تلاش برای استفاده از ظرفیت عظیم آن.



آسیه حسینی نیکو، مشاور کودک و نوجوان، در گفت‌وگو با نشریه رفیقانه:

گروه‌های دوستی فضایی برای تجربه استقلال و بازیابی هویت نوجوان

پررنگ گرایش به گروه دوستی، این است که نوجوان خودش را برای دوره بزرگسالی و استقلال آماده می‌کند، در نتیجه در این سن به صورت افراطی‌تر نیاز دارد فضایی غیر از خانواده را تجربه کند و از خانواده دور شود. گروه‌های دوستی فضا را برای تجربه استقلال و فردیت نوجوان و بازیابی هویت او فراهم می‌کند. این موضوع جزء ویژگی‌های رشدی دوره نوجوانی است و باید برای آن اهمیت زیادی قائل شد.

فضای رفاقتی مطلوب برای دختران

نوجوان صحبت کنیم، قبل از هر چیز باید بدانیم فارغ از جنسیت، رفاقت در دوره نوجوانی بسیار اهمیت دارد و نوجوان‌ها به دوستان‌شان اهمیت زیادی می‌دهند. اینکه نوجوان‌ها ارتباط با گروه‌های دوستی را بیشتر از خانواده می‌پسندند جنسیتی نیست اما از این جهت که ممکن است دختران در محیط خانواده آسیب‌های عاطفی و هیجانی ببینند و حمایت لازم از آن‌ها نشود، وابستگی عاطفی دختران به دوستان خود بیشتر به چشم می‌آید. البته در کل یکی از دلایل بسیار مهم و

آسیه حسینی نیکو، دکتری روانشناسی تربیتی و مشاور کودک و نوجوان است، و به دلیل تجربه چندین ساله او در حوزه نوجوانان، درباره مسئله رفاقت دختران در سنین نوجوانی با او به گفتگو نشستیم:

دکتر حسینی نیکو ابتدا با بیان مقدمه‌ای در باب رفاقت، به استقبال سوالات می‌رود: وقتی می‌خواهیم در مورد بحث رفاقت، فضای دوستی و دوست‌یابی در دوره نوجوانی و بخصوص دختران

نوجوان، از دیدگاه شما چیست؟

فضای رفاقتی مطلوب برای دختران نوجوان قاعدتا در هر دوره و زمانی، می‌تواند ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد خودش را داشته باشد، اما مهم این است که نوجوان‌ها بتوانند زمان و اوقات مشترکی را با یکدیگر سپری کنند و در آن زمان مشترک بتوانند تبادل هیجانی و عاطفی و انتقال اطلاعات داشته باشند. چرا که هر یک از آن‌ها تجربه خاص خودشان را در خانواده داشته‌اند و به اشتراک گذاشتن آن‌ها با یکدیگر می‌تواند موجب همدلی و کمک به هم باشد و فضای صمیمیتی که دختران نوجوان به تجربه آن نیاز دارند، فراهم شود.

در نتیجه ما باید یاد بگیریم فضای رفاقت را در محیط‌های مختلف، برای دختران نوجوان فراهم کنیم. فضای رفاقتی نباید به مدرسه محدود شود و شهر و جامعه ما باید این آمادگی و پتانسیل را داشته باشد که فضاهای امن و ایمن را برای دختر نوجوان فراهم کند. اما متأسفانه این ماجرا در شهرهای ما زیاد وجود ندارد. در نتیجه رفاقت به فضای داخل مدرسه محدود می‌شود و فضای مدرسه نیز محدودیت‌های خاص خودش را دارد. هرچند که آنجا به دلیل وجود نظارت توسط مربیان مدرسه، فضای امنی به حساب می‌آید، اما عامل مهمی که باید در این فضای مطلوب رفاقتی اتفاق بیفتد این است که افراد نظارت کننده یا کمک دهنده و تسهیلگر رفاقت‌ها، باید افرادی آموزش دیده باشند و نوع برخورد با نوجوان را بدانند.

رفاقت و گروه‌های دوستی چه تاثیری بر خلق و خوی دختر نوجوان می‌گذارند؟

رفاقت‌ها و گروه‌های دوستی قطعا روی رفتار نوجوانان، ویژگی‌های شخصیتی‌شان و خلق و خوی آن‌ها تاثیر می‌گذارد. بسیاری اوقات اگر بین تعامل و تبادل

اطلاعات آن‌ها فاصله بیفتد نشاط آن‌ها پایین می‌آید و یا حتی عصبی می‌شوند. تاثیرات رفاقت، اگر افراد شانس قرار گرفتن در گروه‌های خوب را داشته باشند، می‌تواند مثبت باشد، به عنوان مثال رفیق یا دوستی که اهل برنامه‌ریزی، تلاش و کوشش است، بخاطر رفت و آمد و تعاملی که در دوستی شکل می‌گیرد، می‌تواند تاثیرات مثبتی بگذارد. حتی دوستان در امور دینی و سبک زندگی می‌توانند از یکدیگر تاثیرات زیادی بگیرند. و گاهی هم می‌تواند تاثیر عکس داشته باشد و افراد عصبی و پرخاشگر شوند و حتی نتوانند با اطرافیان، ارتباطات مثبت برقرار کنند.

سبک رفاقت‌های امروزی دختران نوجوان چیست و چه تغییرات ارزشی نسبت به گذشته داشته است؟

دوستی در هر دوره‌ای، متناسب با فرهنگ و خصوصیات آن زمان، اقتضائات و اثرات خاص خودش را دارد، اما در دوستی‌هایی که امروزه به صورت مجازی شکل می‌گیرند، ارتباط‌ها بدون دیدن یکدیگر و از طریق چت، تماس صوتی و یا شاید تماس تصویری انجام می‌شود. در نتیجه آن احساس، تعامل و آن شناخت و آگاهی که افراد در تعاملات و رفت و آمدهای حضوری پیدا می‌کنند، ممکن است در حالت مجازی وجود نداشته باشد که باعث آسیب‌هایی در زندگی واقعی نوجوان می‌شود.

مثلا می‌بینیم خیلی وقت‌ها گروه‌هایی، به سبب هواداری از فرد یا گروه‌های خاصی، مثل بازیگران و خواننده‌های ایرانی یا خارجی، شکل می‌گیرد. نوجوانان در آن گروه‌ها دور هم جمع می‌شوند، زمینه دوستی برایشان فراهم می‌شود و به دنبال آن قرارها و رفت و آمدهایی می‌کنند. و در واقع این می‌تواند وارد شدن به گروه رفاقتی با چشم بسته باشد. چیزی که نوجوان آن جا می‌بیند یا آن چیزی که بیان

می‌کند ممکن است با حقیقت او متفاوت باشد و این موضوع، گرفتاری‌هایی برای بچه‌ها ایجاد می‌کند. در نتیجه آن چیزی که ما امروز در بحث گروه‌های دوستی درگیرش هستیم، بیشتر شکل‌گیری رفاقت‌ها و ارتباطات مجازی است که تبعات خاص خودش را دارد و باید بتوانیم آن‌ها را مدیریت کنیم. مهمتر از آن، این است که به نوجوان آگاهی دهیم، در واقع چیزی که اکنون دختران نوجوان ما خیلی به آن نیاز دارند آگاهی است، یعنی هشیارانه وارد ارتباط شوند و بتوانند از خود محافظت کنند.

چرا جامعه و خانواده ایرانی، رفاقت و نوجوانی را نادیده می‌گیرند؟

در جامعه ایران به لحاظ فرهنگی، جایگاه رفاقت مطلوب شناخته نمی‌شود. جامعه ایران جامعه‌ای است که خانواده در آن ارزش بالایی دارد که می‌تواند ویژگی مثبتی باشد اما آسیب‌های خود را هم دارد. به طور کلی جامعه ایرانی هم در سطح عام جامعه، هم در سطح خانواده‌ها و هم در سطوح بالاتر مانند بخش‌های تربیتی و نظام‌های حاکم بر الگوهای آموزش و تربیت، نسبت به ویژگی‌های نوجوانان دستش خالی است و به لحاظ دوره نوجوانی فقیرتر هستند، اطلاعات کمتری دارند و برخوردهای آگاهانه ندارند.

همچنین دیگر آسیب بزرگی که در فرهنگ ما وجود دارد این است که متأسفانه جامعه ما به دلیل عدم شناخت، گروه نوجوان را نپذیرفته است و اصلاً محصول تولیدی خاص نوجوان نداریم. نوجوان دیگر تعلق به گروه کودک ندارد و نمی‌تواند محصول آن را استفاده کند، لذا سراغ محصول بزرگسال می‌رود و آنجا هم ممکن است به سلیقه او پاسخ داده نشود و مشکلات خاص خودش را ایجاد کند. مثلاً ما درباره تولید لباس برای گروه



بخشی از کتاب رفیق؛ مثل رسول

رفاقت زیباترین دل بستگی من توی دنیاست

«تمام شب سرگرم انجام کارهایم بودم. بین این همه مشغله یاد تک تک دوستانم افتادم. به این فکر کردم که همه‌ی آن‌ها بیشتر از هر چیزی برای من رفیق هستند و این رفاقت زیباترین دل بستگی من توی دنیاست.

کنار آن‌ها خندیدن، گریه کردن، تلاش کردن و خیلی چیزهای دیگر را تجربه کردم. نزدیک‌های سحر بود و من انگار نشسته بودم و داشتم روی قالی هزار رج زندگی‌ام دست می‌کشیدم. خیلی از تنهایی‌ها، غصه‌ها و مشکلاتم را با گره‌ی رفاقت رفو کرده بودم و این تنها گره‌ای بود که دلم می‌خواست برای همیشه باز نشود».

شناخت بهتری پیدا کنند. ما باید نسبت به این مسئله خیلی حساس باشیم و نوجوانان را به حال خود رها نکنیم. در دوران کرونا، که زمان معناداری هم بود و گذشت، خانواده و حتی مدارس تدبیر درستی در اینباره نکردند و این خلاء خود را به شکل دیگری نشان داد، چرا که آمار و نرخ استفاده از فضای مجازی و دوستی‌ها و ارتباطات مجازی بسیار بیشتر شد و این می‌تواند آسیب بیشتری به فرزندان ما وارد کند، در نتیجه مدرسه و یا خانواده حتماً باید برای این مسئله تدبیر کنند.

مسئولان در جامعه باید چه زیرساخت‌ها و امکاناتی را برای دختران نوجوان و گروه‌های دوستانه آن‌ها فراهم کنند؟

درباره مسئولان نیز بنظر مهم‌ترین نکته، توجه به فضاهای شهری است و بعد توجه به افرادی که بتوانند برای این گروه لباس و محصول مناسب تولید کنند و فراهم کردن فرصت‌های آموزشی خوب، جهت آگاهی بخشی به خانواده‌ها تا اطلاعات آنان در حوزه نوجوانی بالا برود و بتوانند به نوجوانان خود کمک کنند.

چرا که یکی از آسیب‌های بسیار جدی در حوزه نوجوانی، ارتباط والد و نوجوان است که عموماً آسیب دیده است و تعاملات درست شکل نگرفته و پیش نمی‌روند و اتفاقاً این آسیب‌هایی که ما در حوزه والد نوجوان داریم به طور محسوس در فضاهای دوستی هم تاثیر می‌گذارند. گاهی اوقات غلبه ارتباط با دوست از اینجا ناشی می‌شود که ارتباط با خانواده، ارتباطی آسیب دیده است و در نتیجه پناه بردن به دوستان و فرار صورت می‌گیرد، که در اینجا باید این ارتباطات درست شود تا گرایش‌های نوجوان هم گرایش‌های منطقی و درستی باشد و در جای خود قرار گیرد.

نوجوان عقب هستیم، یعنی ما مرکز و فروشگاه‌هایی که لباس تینیجری داشته باشد، نداریم. و به تبع آن فضاهای رفاهی، آموزشی و تفریحی که مناسب این گروه سنی باشند و نوجوانان بتوانند در آن فضا با آرامش با همدیگر تبادل اطلاعات کنند، نداریم.

گروه نوجوان و بخصوص دختران به دلیل بحث حجاب، به فضای تفریحی نیاز دارند و ما باید محیط‌های مناسب برای دختران، گعه‌ها و تفریحات‌شان، تدبیر و فراهم کنیم که آن دسته از خانواده‌هایی که مسئله حجاب و پوشش برایشان مهم است، بتوانند با آرامش از آن محیط استفاده کنند. و در کل تاکید من بیشتر در بحث مناسب‌سازی محیط‌های شهری و ایجاد فضاهای مناسب برای تفریح و آموزش‌های خارج از مدرسه برای نوجوانان است.

برای بهبود نگاه خانواده به این مسئله چه باید کرد؟

ما باید در زمینه شناخت نوجوان اقدامات مهمی انجام دهیم و یکی از آن‌ها، آگاهی بیشتر خانواده‌ها در زمینه رشد نوجوان است تا بتوانند برخورد مطلوب و مناسب با نوجوان خود داشته باشند. عدم اطلاع و آگاهی درباره نوجوان، آسیب‌هایی را ایجاد می‌کند و خیلی اوقات منشاء چالش‌هایی که خانواده با نوجوان پیدا می‌کند درباره همین بحث دوستی‌ها است.

درحالی‌که فضای دوستی برای نوجوانان می‌تواند بسیار مفرح باشد و فرصتی را فراهم کند که افراد بتوانند با بیان اطلاعات، هیجان‌ها، عواطف، خوشی‌ها، لذت‌ها، غم‌ها و ناراحتی‌ها از دوستان خود همدلی بگیرند و به تخلیه هیجانی و ایجاد احساس خوب در آن‌ها کمک شود. و از همه مهم‌تر اینکه نوجوانان در فضای مستقلی خود را می‌بینند و این دوستی‌ها باعث می‌شود نوجوانان نسبت به خود



گفت و گو با آقای خوئینی، مسئول مجموعه تبلیغی و تربیتی رشد

گروه تبلیغی جهادی رشد و طرح دختران فاطمی در استان قم

نیز می‌توانند چنین فعالیت‌های جهادی-مردمی را داشته باشند. از این رو؛ با حدود ۴۰ نفر از مبلغان خواهر طلبه، جلسه گذاشتیم و مسائلی را در حوزه عفاف و حجاب دختران منطقه مطرح کردیم. در ابتدا به مدارس راهنمایی و دبیرستان رفتیم، سخنرانی‌هایی انجام شد و ادامه آن نیز، در مجتمع فرهنگی نور برگزار شد. دخترها با اختیار و هزینه خود، پنچشنبه‌ها می‌آمدند و برنامه‌های ویژه جوانان و نوجوانان را گوش می‌دادند که تعداد آن‌ها حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ نفر بود.

"طرح دختران فاطمی" آرام آرام از آنجا شکل گرفت. اکنون ۸۰۰ نفر از دختران با حدود ۴۰ نفر مربی خواهر داریم که هر فرد در منطقه و پایگاه خود، با توجه به شرایط کرونا،

گروه تبلیغی جهادی رشد، مجموعه‌ای است که در حوزه تربیت اخلاقی و اعتقادی نوجوانان با تربیت مربیان توانمند، قدم‌های مثبتی برداشته‌است. از همین رو؛ به جهت آشنایی بیشتر با این مجموعه گفتگویی با آقای خوئینی، مسئول مجموعه، ترتیب داده‌ایم که مشروح آن در ادامه آورده شده‌است.

گروه تبلیغی جهادی رشد، فعال در منطقه نیروگاه قم، از سال ۱۳۸۷، حدود ۱۳ سال قبل، فعالیت خود را آغاز کرده است. این مجموعه در ابتدا نمایشگاهی بود در ایام فاطمیه، که طلاب جوان در آن حضور داشتند. سپس گروه‌هایی را تشکیل دادند و در ادامه فعالیت آن‌ها، گروه تبلیغی جهادی رشد نیز شکل گرفت. بعد از چند سال دریافتیم که بانوان

"نیاز نوجوان‌ها متفاوت است، اما همه آن‌ها به یک برنامه دقیق و منسجم نیاز دارند. نوجوان گروه‌گراست؛ وقتی شما نوجوانان را در گروه‌های معنوی قرار می‌دهید و اصول آن، رعایت موازین شرعی، اخلاقی و اعتقادی است، قطعاً به این سمت حرکت می‌کنند. این نه فقط نیاز دختران جامعه ما، بلکه نیاز کل دختران جامعه است که بتوانند در مجموعه‌های معنوی عضو شوند؛ اگر ما این‌ها را ترویج ندهیم، افراد دیگر که هیچ قید و بندی ندارند به سمت این گروه‌ها و مجموعه‌ها خواهند رفت و دختران جوان و نوجوان ما به این سمت سوق داده خواهند شد"

برنامه‌های تربیتی برپا کرده و هفته‌ای دوبار یکدیگر را ملاقات می‌کنند. اما پیش از این، ماهی ۲ بار برنامه همایش حضوری داشتیم؛ بدین معناکه همه دختران یک جا جمع می‌شدند. و اگر کرونا اجازه می‌داد، قصد داشتیم برنامه‌های همایشی را بیشتر برگزار کنیم. اکنون طرح‌های معلم محوری، ورزشی، طلاب جوان، فضای مجازی و پژوهشی در حال اجرا است. البته اجازه ندادیم که کار متوقف شود. اردوهای تابستانه، مسابقه بین گروه‌ها و برنامه‌های ورزشی، تفریحی و معنوی تدارک دیدیم و ماه مبارک رمضان هم برنامه ویژه داشتیم. همچنین مربی‌ها ماهی یک بار جلسه دارند. تمام دختران نیز در کانال ویژه‌ای عضو هستند و از آن جا مطالب را دریافت می‌کنند، خودشان کنشگر فضای مجازی هستند و در برنامه‌های تربیتی مربیان نیز شرکت می‌کنند.

اهداف مجموعه

مجموعه ما، یک مجموعه تبلیغی-جهادی است که از حدود ۲۵۰ تا ۳۰۰ نیروی خواهر و برادر تشکیل شده است. گروه‌هایی که فعالیت‌های مختلفی را شکل می‌دهند تا در عرصه فرهنگ به شهر مقدس قم کمک کنند، که این مسئله دغدغه مقام معظم رهبری نیز است. اکنون این مجموعه با تمام قوت، هشت برنامه فعال دارد و مدیریت جهادی بیمارستان قم نیز با این مجموعه است. در بحث دختران، هدف، تربیت دینی دختران و ایجاد گروه‌های دخترانه بوده که بتوانند روی یکدیگر تاثیر گذاشته و از یکدیگر مراقبت کنند، و مربیان نیز به صورت دوستانه در کنارشان هستند. همچنین برای دختران هم ماهی یک بار جلسه برگزار می‌شد که متأسفانه به خاطر کرونا این جلسات کمتر شده و قرار است مجدداً برقرار شود، تا بتوانیم در آینده جامعه مهدوی و جامعه دینی را شاهد باشیم. در حوزه حجاب نیز باید سعی کنیم تا اعتقادات دختران را حفظ کنیم و به این ترتیب قطعاً آثار آن را در ظواهر شهرمان هم خواهیم دید.

مهارت مربیان

اکنون ۶ دوره از قبیل؛ دوره ارتباط با نوجوان، روانشناسی رشد، ارتباط موثر، مهارت‌ها و خلاقیت‌های نوجوان، فضای مجازی و آموزش سخنرانی، به صورت خاص برای مربیان خانم برگزار شده است. علاوه بر آن، جلسات ماهانه‌ای با حضور یک مربی توانمند، برای انتقال تجربه داریم که مربیان دیگر می‌توانند سوالاتشان را بپرسند و این باعث شده که مربی‌ها آرام آرام رشد کنند.

تعامل با خانواده‌ها

ارتباط پویا و مستمری با خانواده‌ها وجود دارد. تمام مربیان موظف‌اند به خانه متربیان‌شان سر برنند. علاوه بر آن، بنده به عنوان مسئول مجموعه، به صورت متناوب از اولیاء گروه‌های مختلف دعوت و با آن‌ها گفتگو می‌کنم و در حوزه‌های مالی نیز همکاری داریم. همچنین این ارتباط باعث شده مشکلات مالی و مکانی مجموعه نیز به حداقل برسد.

برنامه ورزشی و هیجانی دختران

تاکنون در اردوهایی که برگزار شده، برنامه‌های متنوعی برای دختران اجرا شده است. مربیان، دختران را به بوستان می‌برند، برنامه زیارت حرم مطهر را داریم و مسابقاتی در فضای مجازی نیز برگزار می‌شود. همچنین بین گروه‌ها مسابقات ورزشی داریم که برای تخلیه هیجانی بسیار تأثیرگذار بوده است.

جذب نوجوانان دختر

در روش اول، ابتدا به مدارس رفتیم و سخنرانی‌هایی در این مدارس داشتیم. بعد از آن تقاضای سخنرانی برای راهنمایی و دبیرستان نیز داشتند که ترجیح دادیم در مجموعه خودمان باشد. در روش دوم نیز شخص مربی‌ها بودند که از پیرامون خود دخترانی را انتخاب کردند و به مجموعه اضافه کردند.

کار متفاوت مجموعه ما

در ابتدا؛ گروه‌هایی از طلبه‌های جوان که از

ابتدا با هم بودند، همچنان کارشان را با هم ادامه می‌دهند. همچنین هر کدام استاد هستند و مهارت‌هایی دارند. این یکی از وجوه تمایز مجموعه ما با دیگر مجموعه‌ها است. دوماً؛ از هر ظرفیت و مجموعه‌ای که بتواند با ما همکاری کند، استفاده کردیم. سوماً؛ کارها را متوقف بر مسائل مالی نکردیم؛ حرکت را پیش بردیم تا مشکل مالی هم حل شود.

رفاقت و دوستی دختران نوجوان در این مجموعه

اکنون حدود ۴۰ مجموعه بیست نفره، هفته‌ای دو بار در کنار هم جمع می‌شوند و همین کار جمعی باعث رفاقت بین دختران نوجوان شده است. همچنین اردوها، مسابقات و برنامه‌های مختلفی که بانوان تدارک می‌بینند، باعث شده تا روز به روز رفاقت بین دختران بیشتر شود، بتوانند بر هم نظارت داشته باشند و روی یکدیگر تأثیرگذار باشند و این رفاقت عملاً در این برنامه‌ها و گردها شکل گرفته است.

نیاز دختران نوجوان

نیاز نوجوانان متفاوت است اما همه آن‌ها به یک برنامه دقیق و منسجم نیاز دارند. نوجوان گروه‌گراست؛ وقتی شما نوجوانان را در گروه‌های معنوی قرار می‌دهید و اصول آن، رعایت موازین شرعی، اخلاقی و اعتقادی است، قطعاً به این سمت حرکت می‌کنند. این نه فقط نیاز دختران مجموعه ما، بلکه نیاز کل دختران جامعه است که بتوانند در مجموعه‌های معنوی عضو شوند؛ اگر ما این‌ها را ترویج ندهیم، افراد دیگر که هیچ قید و بندی ندارند به سمت این گروه‌ها و مجموعه‌ها خواهند رفت و دختران جوان و نوجوان ما به این سمت سوق داده خواهند شد. بهترین راه، تشکیل گروه‌ها است؛ اگر بشود دختران را در گروه‌های دخترانه مثل گروه تبلیغی جهادی دختران فاطمی عضو کنیم، رصد و برنامه‌هایی برای آن‌ها طراحی شود، هم برای رشد خودشان و هم در جلوگیری از حرکت جامعه به سمت بدحجابی بسیار تأثیرگذار خواهد بود.



